

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۷/۲۱

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۴

تأثیر مؤلفه‌های منظر شهری در آرامش شهروندان (نمونه موردی: محله کوی معلم شهر بجنورد)*

سهیلا صادقی** - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه خزر، محمودآباد، ایران.
احمد رضا کشتکار قلاتی - دکترای معماری منظر و مدرس دانشگاه، محمودآباد، ایران.

چکیده

در جوامع امروزی، آرامش و آسایش یکی از پارامترهای ضروری برای ساکنین مناطق شهریست. چراکه عدم وجود آرامش باعث به وجود آمدن مشکلات روانی و اجتماعی می‌گردد که این مسأله به متلاشی شدن جامعه شهری می‌انجامد. برآوردن این نیاز به طرق مختلف صورت می‌پذیرد؛ یکی از این مؤلفه‌ها که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، ایجاد آسایش بصری از طریق ویژگی‌های بصری است، زیرا حس بینایی تأثیرگذارترین عامل از میان حواس چندگانه در ارتباط بین انسان و محیط می‌باشد و در صورتی که ویژگی‌های بصری درست و به‌جا در منظر شهری استفاده شوند، می‌توانند به وجود آمدن محیطی ایمن‌تر و مطلوب‌تر کمک نمایند. علت این که سیمای شهرهای ما عاری از کیفیت است و القاکننده آرامش و بهره‌برداری از فضا نیست، عدم توجه مدیران شهری بوده که برنامه جامعی برای موضوع آسایش بصری تهیه نکرده‌اند؛ همچنین با گسترش بی ضابطه بسیاری از شهرها و افزایش جمعیت، رفته رفته به این مهم کمتر توجه شده و همین امر موجب آشفتگی بصری گردیده است. در مورد آسایش بصری و منظر شهری تحقیقات گسترده‌ای صورت پذیرفته است. از جمله این تحقیقات می‌توان به پژوهش گوردن کالن، سایمون بل، اسماعیل صالحی، هدی علوی طبری، محمد آتشین بار، مسعود متولی و نیز تحقیقات متفاوت دیگری که در قالب کیفیت محیطی و منظر شهری توسط دانشمندان مختلف صورت گرفته و اشاره به اهمیت این موضوع در شهرها دارد اشاره کرد. هدف از انجام این پژوهش ارائه راهکارهایی مناسب جهت کمک به ایجاد مفهوم آرامش از طریق آسایش بصری در محیط شهریست. روش تحقیق در این مقاله، به صورت تحلیلی و مطالعات میدانی و شیوه و ابزار تحقیق، اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد که مبانی مورد نیاز گردآوری و بررسی، سپس با توجه به آن‌ها، نمونه موردی مورد پژوهش، مقایسه و با استفاده از پرسشنامه و نرم‌افزار SPSS تحلیل شده، و راهکارها در قالب جدولی برای ایجاد حس آرامش با توجه به ویژگی‌های بصری در محیط نمونه مورد مطالعه، ارائه شده است. با توجه به مقایسه و راهکارهای ارائه شده، نتایج برای دستیابی به احساس آرامش از طریق ویژگی‌های بصری در محله کوی معلم به صورت موردی بیان شده است.

واژگان کلیدی: آسایش بصری، حس بینایی، تعادل بصری، منظر شهری، آرامش.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، سهیلا صادقی با عنوان «طراحی و باززنده‌سازی محلات مسکونی بر اساس اصول طراحی منظر شبابخش (نمونه موردی: محله مسکونی کوی معلم واقع در منطقه یک شهر بجنورد)» می‌باشد که با راهنمایی‌های جناب دکتر احمد رضا کشتکار قلاتی در دانشگاه خزر محمودآباد در تاریخ پاییز ۱۳۹۵ ارائه شده است.

** نویسنده مسئول، sosa6613@yahoo.com

مقدمه

امروزه آسایش بصری از مؤلفه‌های مهم و اساسی محیط‌های انسان ساخت به‌ویژه در فضاهای شهری به شمار می‌رود و همان‌طور که محیط داخلی زندگی انسان (خانه) بایستی از زیبایی برخوردار باشد محیط بیرونی (شهر) نیز باید زیبا و دارای کیفیت بصری مناسب باشد؛ بنابراین اهمیت بررسی موضوع آسایش بصری و نقش کیفیت‌های محیطی در ارتقاء و بهبود منظر شهری آشکار می‌گردد. آسایش بصری از عواملی است که در ایجاد منظر شهری مناسب باید به آن توجه کنیم. از مؤلفه‌های آسایش بصری می‌توان به رنگ، روشنایی، کیفیت محیطی و ... اشاره کرد که کاربرد نامطلوب رنگ‌ها و کمبود روشنایی در شهرها موجب آلودگی نمایی، رنگ، نور و ... در محیط‌های شهری شده که القاء کننده بی‌نظمی، فشار روانی، بی‌تناسبی، زشتی و سیطره مادیّت و کمیت بر زندگی انسان شده است. هدف از انجام این تحقیق بررسی چگونگی تأثیر محرک‌های بصری در ایجاد حس آرامش در محیط‌های شهری با توجه به پارامترهای موجود بین روابط انسان و محیط در مناظر شهری که تأثیر متقابل برهم دارند؛ و در نهایت ارائه راهکار برای ارتقاء حس آرامش در مناظر شهری با توجه به ویژگی‌های بصری که در پایان به آن پرداخته شده است می‌باشد.

۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱- معیارهای تأثیرگذار در سنجش احساس آرامش در فضاهای عمومی شهری کدامند؟
- ۲- این معیارها چگونه می‌توانند در ایجاد حس آرامش تأثیرگذار باشند؟

۲. پیشینه پژوهش

در مورد آسایش بصری و منظر شهری تحقیقات گسترده‌ای صورت پذیرفته است. از جمله این تحقیقات می‌توان به پژوهش گوردن کالن در کتاب گزیده منظر شهری که به فارسی نیز ترجمه شده است اشاره کرد که منظر شهری را هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را می‌سازد، می‌داند. اسماعیل صالحی در مقاله‌ای تحت عنوان "مؤلفه‌های آسایش بصری و نقش آن در مناسب سازی محیط" معتقد است به چگونگی رابطه بصری میان انسان و محیط که از شرایطی است که در کنار سایر عوامل در ارزیابی کیفیت محیط حائز اهمیت است پرداخته است. سایمون بل در کتاب "عناصر طراحی بصری معماری" به درک ساختار بصری جهان پیرامون و به مثابه اساس طراحی منظرهایی دل‌فریب می‌پردازد و غایت هدف بصری در طراحی شهری را ایجاد تعادل میان عناصر، وحدت و تنوع، با توجه به روح و مکان است بیان می‌کند. هدی علوی طبری در کتاب "نورپردازی در معماری منظر" به روش‌های صحیح نورپردازی جهت افزایش امنیت و ایمنی در محیط‌های شهری می‌پردازد. مسعود متولی در مقاله‌ای با عنوان "بررسی و سنجش کیفیت زیبایی در منظر شهری بر اساس مفهوم دیدهای متوالی" با استخراج شاخص‌ها و عناصر کیفیت زیبایی منظر شهری در دیدهای متوالی دارآباد تهران به ارائه الگوهایی برای ارتقاء کیفیت منظر شهر پرداخته است. محمد آتشین بار در مقاله‌ای تحت عنوان "ندایم هویت در منظر شهری" به بررسی عوامل ایجاد کننده هویت رد منظر شهری پرداخته و نقشه زیبایی محیط در ارتقاء سطح کیفیت محیطی و تأثیرگذاری آن بر هویت شهری پرداخته است. در قالب کیفیت محیطی و منظر شهری تحقیقات متفاوت دیگری توسط دانشمندان مختلف صورت گرفته است که اشاره به اهمیت این موضوع در شهرها دارد.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، به صورت تحلیلی و مطالعات میدانی و شیوه و ابزار تحقیق، اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. فرآیند پژوهش بدین صورت است که مبانی مورد نیاز گردآوری و بررسی، سپس با توجه به آن‌ها، نمونه موردی مورد پژوهش، مقایسه و برای رسیدن به پاسخ سؤالات مطرح شده با استفاده از پرسشنامه و نرم‌افزار SPSS به تحلیل پرسشنامه پرداخته شده، و راهکارها در قالب جدولی برای ایجاد حس آرامش با توجه به ویژگی‌های بصری در محیط نمونه مورد مطالعه، ارائه شده است. جامعه آماری در این مقاله با توجه به مساحت محدوده مورد نظر، شامل ۱۰۰ نفر از ساکنین محله مورد پژوهش (محله کوی معلّم) می‌باشد که به صورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند.

۴. مبانی و چارچوب نظری

۴-۱. حسّ بینایی

حسّ بینایی توانایی تشخیص و فهم بصری پدیده‌های محیط است. بینایی یکی از حس‌هایی است که از طریق آن می‌توانیم به اطلاعاتی دست یابیم که با ما فاصله دارند^۱ و غالباً برای ما اهمیت حیاتی دارند. از میان حواس، حسّ بینایی بیشترین ارتباط ما با محیط را به عهده دارد. دستگاه بینایی زنان مانند بسیاری از حواس دیگر، جزئی نگر است، به همین دلیل زنان در تشخیص عیب و نقص‌ها برتر از مردان بوده و اندازه‌ها را بهتر درک می‌کنند. بر این اساس، در هنگام قرارگیری در یک فضای شهری، زنان به جزئیات ویتترین‌ها، پنجره‌ها، تزئینات نما، مدل کفسازی، گلجای‌ها و... توجه می‌کنند. در مقابل، مردان در تشخیص کلیت فضا و جداره‌ها قدرتمندتر هستند. بنابراین، در طراحی یک فضای عمومی که برای حضور زنان و مردان طراحی می‌شود لازم است جزئیات عناصر (تزئینات، تنوع در رنگ و مصالح، گل کاری و...) در کنار کلیت فضا (محسوریت، پیوستگی جداره و...) تعریف شده باشد. بدین ترتیب هم خانم‌ها از حضور در فضا لذت می‌برند و هم آقایان می‌توانند ویژگی‌های فضا را با ادراک بینایی خود تطبیق دهند. زنان در محیطی که جزئیات بیش از حد دارد، بیشتر احساس سردرگمی می‌کنند. از این رو، در فضاهایی مانند اتوبان‌ها که سرعت بالاست و توجه به سوی عناصر محدودی جلب می‌شود، مردان در شرایط مختلف به راحتی دید خود را متمرکز می‌کنند. برای این که شرایط را برای زنان نیز هموار نماییم، لازم است محیط پیرامون را تا حد امکان ساده و یکنواخت و کم جزئیات نگه داریم، تا توجه، به سوی نقطه روبرو جلب شود و زیادی اطلاعات موجب سردرگمی نگردد (پاکزاد، بزرگ، ۱۳۹۳). ظرفیت درک انسان، حداقل از طریق حواس پنجگانه، نامحدود نیست، عنصر مورد شناخت باید در حوزه ادراک آدمی قرار گیرد. ابعاد این حوزه در چارچوبی نسبتاً محدود برای هر شخص متفاوت است. در حسّ بینایی، این ابعاد از چند کیلومتر، برای عناصر بسیار بزرگ و تا چند متر برای اشیای کوچکی مانند تابلوهای آگهی و پوستر، متغیر خواهد. پس از درک یک علامت، آن چه به کشف رموز و در نهایت عکس‌العمل منجر می‌شود، انطباق علامت با اطلاعات قبلی موجود در حافظه شخص است. زمان این فرایند برای یک عنصر ساده تقریباً ۳ تا ۴ ثانیه و برای یک علامت پیچیده و مبهم یا علامتی که حاوی مجموعه‌ای از عناصر است، تقریباً چند دقیقه به طول می‌انجامد. از همین روست که گوردون کالن در کتاب منظر شهری صراحتاً اظهار می‌دارد که: "...علایم جاذبه بایستی واضح بوده و در یک نظر اجمالی پیام خود را آشکار سازد" (کالن، ۱۳۸۷) (صالحی، ۱۳۸۷).

تبادل بصری: مهم‌ترین عامل فیزیکی و مؤثر بر حواسّ بشر، حفظ تعادل است. ریشه و اساس همه توانایی‌های انسان بستگی به حسّ تعادل دارد و چنانچه این حس در انسان کاهش یابد، حرکات بدن وی فاقد تعادل خواهد شد. انسان به صورت غریزی در ارزیابی‌های بصری خود به وجود تعادل و توازن توجه می‌کند و سریع‌تر از آن که به صورت علمی، مرکز ثقل تصاویر را محاسبه کند، آن را دریافت می‌نماید. زیرا هنگام دیدن یا بیان یک پیام بصری، ابتدا برای آن یک محور عمودی بر یک پایه افقی، در نظر می‌گیرد. این دو محور از مهم‌ترین عوامل سنجش تعادل هستند. همان گونه که در طراحی نیز فراگرفته‌ایم برای ترسیم اشیاء از محور عمودی و افقی استفاده می‌نماییم چراکه با تقسیم وزن بصری به طور مساوی در طرفین محور عمودی، بر خط افق احساس تعادل می‌کنیم. به خاطر حسی که ما از مرکز ثقل و تجربه هایمان از جاذبه زمین داریم، بیشتر به دیدن وزن روی زمین عادت داریم و احساس آرامش و ثبات را براساس محور افقی بهتر احساس می‌کنیم (حسینی، ۱۳۹۳).

تضاد بصری: تضاد یا کنتراست در طبیعت باعث حساس شدن قوای حسّی ما می‌شود. بدون سرما، گرمایی وجود ندارد و بدون تلخی، شیرینی معنا نخواهد داشت. باید گفت که هماهنگی و تضاد در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و از اهمیت فوق‌العاده برخوردارند. تضاد باعث می‌شود قدرت بیان بصری بیشتر شود و در نتیجه برقراری ارتباط آسان‌تر خواهد شد. برای تأکید کردن، استفاده از کنتراست، نه تنها باعث جلب توجه بیننده می‌شود، بلکه به معنا و مفهوم پیام نیز اهمیت و تحرکی خاص می‌بخشد. یکی از رموز موفقیت در تضاد، حذف عناصر غیر ضروری است تا بتوانیم به آنچه واقعاً مهم است متمرکز شویم. با سازمان‌دهی عناصر مهم و حذف عناصر بی‌اهمیت‌تر می‌توان تأثیر پیام را تشدید کرد. از انواع تضاد می‌توان به تضاد تاریکی و روشنایی، تضاد بافت، تضاد رنگ، تضاد جهت، تضاد شکل، تضاد اندازه و... اشاره کرد (حسینی، ۱۳۹۳).

منظر شهری: «منظر» شهری به عنوان یکی از عناصر شکل دهنده و بخشی از ادراک کالبدی فضاهای عمومی شهری به طور مستقیم بر مطلوبیت یا عدم مطلوبیت این فضاها و در نهایت بر شهروندان، فعالیت‌ها و رفتارهایشان، به عنوان کاربران اصلی محیط تأثیر خواهد داشت. با توجه به تعریف گوردن کالن (۱۳۸۷) از منظر شهری که آن را «هنر یکپارچه بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی که محیط شهری را می‌سازند» می‌داند؛ منظر شهری را می‌توان مجموعه‌ای از عناصر طبیعی و مصنوعی اعم از کالبد و فضای شهری، انسان‌ها و... به عنوان نخستین جلوه از شهر، آیین تمام نمای نمایش یک شهر و محیط برای عموم دانست. کالن معتقد است «یک ساختمان، معماری اما دو ساختمان، منظر شهری است. زیرا به محض آن که دو ساختمان در کنار هم قرار می‌گیرند، هنر منظر شهری عرضه می‌شود. مسائلی مانند ارتباط بین ساختمان‌ها و فضای میانی آن‌ها بلافاصله اهمیت پیدا می‌کند. چنان‌چه این روابط و این نکات را در اندازه یک شهر ضرب کنیم شما با هنر محیط سروکار خواهید داشت و احتمال وابستگی‌ها افزایش می‌یابد. مانورها و دستاویزها چند برابر می‌شوند. حتی یک مجموعه کوچک از ساختمان‌ها می‌تواند یک منظر و انگیزه فضایی به وجود آورد. کوچک‌ترین جزئیات خیابان باید در نمایش عملکردهایشان در منظر شهری گنجانده شود (کالن ۱۳۸۷). همچنین منظر شهری کلیه اطلاعات موجود از فضا است که توسط حواس قابل دریافت بوده و در فرآیند ادراک پردازش می‌گردد. اطلاعاتی از قبیل فرم، عملکرد و معنای فضا را نیز در بر می‌گیرد (مؤیدی و دیگران، ۱۳۹۲).

وجود ساختمان‌هایی با نمادهای با کیفیت در حالی که در فضاهای شهر با انواع آشفتگی‌های رفتاری و فعالیت‌های مواجه هستیم، نمی‌تواند موجب منظر شهری مطلوبی برای شهر باشد. منظر شهر در مقیاس‌ها و سطوح مختلف قابل رؤیت و درک است، در هر کدام از این سطوح عناصر متفاوت و خاصی در تشکیل منظر شهری مؤثر هستند. اکثر شهرهای ایران به علت استفاده از مصالح محلی در ساخت بناها از رنگی ثابت و مشخص، بیانگر ویژگی‌های طبیعی آن سرزمین و در هماهنگی با آن برخوردار بوده‌اند مثل رنگ سرخ آبیانه که نمونه‌ای از بستر طبیعی یک مجتمع زیستی در منظر کلان آن است. اما منظر شهر هنگامی که ناظر در درون بافت شهر قرار می‌گیرد نیز مطرح است. در این حالت ویژگی بصری و عناصر متفاوت منظر شهر اعم از کالبد، انسان‌ها و فعالیت‌ها از فاصله نزدیک‌تر و در مقیاس بخشی از شهر قابل مشاهده ادراک هستند. معابر، عناصر تشکیل دهنده آن از جمله نمای ساختمان‌ها، ارتفاع بدنه‌ها، فعالیت‌های جاری در آن، وسایل نقلیه، رفتارها و تراکم جمعیتی انسان‌های در حال عبور یا انجام فعالیت، درختان، انواع فضاهای شاخص شهری، تقاطع‌ها، محورهای دید به سمت عناصر شاخص طبیعی و مصنوعی و... اجزاء اصلی منظر شهر در مقیاس میانی هستند منظر شهر در مقیاس خردتر نیز می‌تواند مطرح باشد در قالب عناصری نظیر اجزاء تشکیل دهنده نمای ساختمان، جنس، رنگ و بافت مصالح، سایه روشن‌های بدنه‌ها، پنجره‌ها، اجزای تشکیل دهنده کف در پیاده‌روها، باغچه‌ها، مبلمان و تجهیزات شهری نظیر تیرهای چراغ برق، کیوسک‌های تلفن، سطل‌های زباله، نیمکت‌ها و... (دویران و دیگران، ۱۳۹۱).

۴-۲. منظر شهری-احساس آرامش

کوبین لینچ در کتاب تصویر شهر پنج عنصر اساسی را که در قابلیت تجسم شهرها سهیم هستند به این شکل بر می‌شمرد: (لبه‌ها، گره‌ها، بخش‌ها، راه‌ها و نشانه‌ها) هنگامی که ما اطلاعات بصری را پردازش می‌کنیم مقادیر زیادی از محرک‌ها را به روی هم "انباشته کرده" و واحدهای بصری معدودتری ایجاد می‌نماییم. سپس همین انباشته‌ها را نیز به شکلی عمیق‌تر پردازش کرده و به صورت "ابر نشانه‌ها" در می‌آوریم و آن‌ها را به شکل نمادهایی معنا می‌کنیم که معروف، بر انگیزند و انتقال دهنده این معانی ژرف‌تر باشند (اسفندیاری، ۱۳۹۳).

آرامش: "آرامش" در لغت به معنی حالتی نفسانی همراه با آسودگی و ثبات و نیز به معنای آرامش و سکون می‌باشد و در اصطلاح اسم مصدر از آرمیدن است، و در برابر اضطراب و دلهره به کار می‌رود و به حالت نفسانی و صفت روانی و قلبی خاص (آسودگی خاطر، ثبات و طمأنینه) گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷). آسایش فیزیکی و روانی، فرم نرم و روان، رنگ‌های سرد و... و هماهنگی عوامل، ویژگی‌های فضایی هستند که می‌توانند حس آرامش را به وجود بیاورند (اسفندیاری، ۱۳۹۳).

آسایش: آسایش اسم مصدر و مصدر دوم آسودن است و در لغت به معنای راحت. استراحت. آسانی. آسودگی. دعه. وداعت. خفض عیش. تنعم. روح. مقابل رنج می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷).

آسایش بصری در منظر شهری: آسایش بصری از مؤلفه‌های مهم و اساسی محیط‌های انسان ساخت امن محسوب می‌شود، چراکه "برای سکونت و زندگی، شهر خانه‌ای است، بزرگ و همان گونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی‌هایی برای تأمین آسایش، راحتی و امنیت باشد. همچنین شهر مانند خانه باید محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر باشد تا امکان زندگی مطلوب را فراهم سازد."

برای رسیدن به آسایش بصری در شهرها، مؤلفه‌های زیادی دخیل هستند. از جمله مواردی که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد عبارتند از رفع آلودگی‌های (نمادی، دیداری و نور و رنگ)، توجه به کیفیت‌های بصری منظر طبیعی و منظر مصنوع و توجه به میزان نور و روشنایی بافت‌های شهری به‌ویژه در هنگام شب، نمای بصری و رنگ استفاده شده در سیمای بصری بناها و ساختمان‌های شهری، کیفیت دسترسی به فضاهای شهری و شبکه عبور و مرور، توجه به تأسیسات شهری، کیفیت‌های محیطی، میزان نمای بدنه در بافت‌ها و... از جمله عواملی هستند که نقش به‌سزایی در ارتقاء آسایش بصری خواهند داشت (دویران و دیگران، ۱۳۹۱). فیلین در بررسی‌های خود دربارهٔ تأثیر محیط روی ساز و کار بینایی، محیط بصری مصنوع را به سه دسته همگن، تهاجمی و آسایش بخش تقسیم می‌کند. وی محیط آسایش بخش را محیطی می‌داند که به رغم وجود تعداد زیادی عناصر متنوع، ویژگی‌هایی مانند خطوط منحنی در ضخامت‌ها، تنوع رنگ، تنوع سطح و احجام، اشکال و رنگ‌هایی که به محیط طبیعی نزدیک‌تر می‌باشد، آن را مطلوب کرده است. محیط‌های آسایش‌بخش به طور معمول چشم نواز هستند. استفاده از خطوط مستقیم عمود بر هم، زوایای قائمه، اشکال هندسی خشک، یکسانی و تشابه در اجزاء تشکیل دهنده، محیط را برای چشم نامتناسب می‌کنند. ویژگی‌هایی که عموماً در محیط‌های طبیعی دیده نمی‌شوند. به نظر فیلین محیط‌های طبیعی با سازوکارهای فیزولوژیکی بینایی مطابقت بیشتری دارد و محیط‌های مصنوع اغلب با این سازوکارها در تضاد هستند او اشاره می‌کند که در گذشته محیط بصری‌ای که بشر را احاطه کرده بود با ساختار بینایی و قانونمندی‌هایی بصری وی در تطابق کامل قرار داشت اما امروزه با شکل‌گیری و توسعه شهرها محیط زندگی نیز دچار دگرگونی فاحش شده و هر چه بیشتر از محیط طبیعی فاصله گرفته است (پاکزاد، بزرگ، ۱۳۹۳).

بررسی رابطه میان آرامش و آسایش: پس از فهمیدن معنای لغوی آرامش و آسایش اگر واقع بینانه به معنای این دو کلمه نگاه کنیم تفاوت‌های زیادی را در آن‌ها می‌بینیم. آسایش یک امر بیرونی و آرامش یک پدیده‌ی درونی است. آرامش یک حالت روحی- روانی. یک حالت درونی است مانند وجدان که خودش قابل رؤیت نیست ولی آثار آن در گفتگوها و برخوردهای فردی و اجتماعی، راه رفتن و از این قبیل کارها قابل رؤیت می‌باشد. اما آسایش به حالتی می‌گویند که انسان از لحاظ امکانات زندگی و مالی در یک رفاه نسبی باشد. آسایش یعنی راحتی در زندگی، آرامش راکسانی دارند که از درون سالم و سلامتند (ویلسون، ۱۳۸۹).

۳-۴. حسن مکان

تمام چیزهایی که در فضا دیده می‌شود از جمله: کف، لبه، سقف و ... بخشی از صحنه‌ی بصری بوده بنابراین جزئی از مکان هستند. اگر محرک‌های مختلف با هم هماهنگ بوده و مضمون مشترکی را بیان کنند، فضا دارای حس مکان قوی خواهد بود و پیوسته به نظر می‌رسد. به این ترتیب گفته می‌شود که فضا دارای مکانیت زیادی است. اما اگر عناصر واقع در فضا پیوسته نباشند فضا ناهنجار و آشفته می‌شود و احساس سردرگمی می‌دهد و فاقد مکانیت خواهد بود یا دارای ویژگی بی‌مکانی است. یکی از متداول‌ترین کمبودها در طراحی فضای خارجی و به وجود آوردن حس مکان، ناتوانی در ایجاد سازگاری میان لبه‌ی فضا با سایر لایه است. مثلاً کف و سقف طبیعی را با لبه‌ی سخت معمارانه موجب شکل‌گیری محرک‌های متضاد ناخواسته است و حس مورد نظر ایجاد نمی‌شود. معمولاً در اهمیت درک لبه‌ی فضا و پیوستگی آن با عناصر محصور شد. در قاب ناتوانی‌هایی دیده می‌شود ماهیت بصری آشفته شهرهای امریکا گواهی بر این ناتوانی است (اسفندیاری، ۱۳۹۳).

محرک‌های حسّی: طراحی فضای خارجی باید به خوبی، محرک‌های حسّی را اداره کند تا به حس مکان مورد نظر دست یابد در این صورت باید از اطلاعات بصری و سایر اطلاعات حسّی به نحوی مطلوب استفاده کند. عناصر طراحی بصری از جمله

نقطه، خط، فرم، رنگ و بافت باید هم به طور جداگانه و هم در ترکیب با یکدیگر در نظر گرفته شود تا حس مکان مورد نظر را القا کند (اسفندیاری، ۱۳۹۳).

نقطه: مکان‌های خاص می‌تواند مفهوم محیط را در خود متمرکز کند. فضا باید طوری ایجاد شود که اهمیت این نقاط را بیان کند و توجه خاصی را به این نقاط معطوف کند. با توجه به این نقاط حس مکان فضا افزایش می‌یابد. این نقاط می‌تواند درون فضا باشد یا نقاطی خارجی باشند که از طریق قراردادن قاب، به صورت بخشی از فضا درآمده، مهم این است که این نقاط حس مکان را در خود متمرکز می‌کند (اسفندیاری، ۱۳۹۳).

خط: خطوط می‌توانند چشم را هدایت کنند تا عناصر دارای مفاهیم متمرکز را کشف کنند. با خط می‌توان لبه‌ها، فصل مشترک و تغییرات عمق را بهتر نشان داد و حس مکان را تقویت کرد. همچنین خط با هدایت چشم به درک بهتر از فضا کمک می‌کند. دسته‌های خطوط روی صفحه به سطح فرم می‌دهد و به بیننده کمک می‌کند فرم سطح را بهتر درک کند اگر خطوط در ترکیب در جهت تأیید یک مضمون قرار داشته باشند، ویژگی حس و طرح مکان تشدید می‌شود (اسفندیاری، ۱۳۹۳).

فرم: در اداره‌ی حس مکان باید آگاهانه ترکیب فضایی، لایه‌های فضایی فرم‌های درون فضا و فرم‌های قاب گرفته شده را ترتیب دهیم به طوری که مضمون مشترکی را بیان کند. گذار در فرم‌ها باید عمدتاً در توده‌هایی انجام گیرد که فضاها را از یکدیگر جدا می‌کنند. به این ترتیب با حرکت ما از یک فضا به فضای دیگر، حس مکان تغییر می‌کند. اما وقتی که به یک مکان خاص نگاه می‌کنیم فرم‌های درون آن فضا همه در جهت تأیید مضمون فضا قرار دارند (اسفندیاری، ۱۳۹۳).

فرم خوب با توجه به دارا بودن تعادل، توازن و تناسب خواهد توانست یک محیط را برای کاربران جذاب، آرامش‌بخش و قابل اطمینان نماید. از این‌رو وجه محسوس فضا شامل مواردی همچون چشم‌نوازی کالبد فضا یا ترکیب بندی، کیفیت رنگ و مصالح از جمله مواردی است که در مطالعات زیبایی‌شناسی منظر شهری (البته بعدکالبدی زیبایی شناسی) به طور عام به آن اشاره شده است و به طور خاص نیز در بررسی زیبایی منظر می‌توان به ارتقای کیفیت بصری شهر شامل توجه به عواملی همچون تناسب و هماهنگی فرم بنا با محیط اطراف، مصالح، نحوه و سبک طراحی بنا را مدنظر قرارداد. سطوح و عناصر عمودی، تداوم بصری و فضایی، توجه به اختلاف سطح‌ها، فضاهای بیرون آمده یا تو رفته در ایجاد رفتار مطلوب، احساس آرامش و جلوگیری از ایجاد زمینه‌های وقوع ناهنجاری نیز تأثیرگذار هستند. «اندازه فضا نیز آن چنان که سبب می‌گردد در روابط اجتماعی تأثیر دارد». توجه به ابعاد و مقیاس انسانی در ساخت شهر، مظهر وحدت و آرامش معرفی می‌شود و پرهیز از ایجاد فضاهای وسیع با عملکردهای مجزا و تعریف شده با هدف ارتقاء حضور گروه‌های سنی و جنسی مختلف می‌تواند به خلق محیط آرامش‌بخش کمک کند. برخی از صاحب‌نظران مانند کالن نیز منظر شهری را «هنر تناسبات» بیان می‌کنند. رعایت تناسبات بصری و انسانی در مقیاس فضا باعث هماهنگی و ایجاد نظم شده و در نهایت احساس آرامش را در فضا به وجود می‌آورد. همچنین به کار بردن رنگ‌ها، فرم‌ها و مصالح می‌تواند در احساس آرامش تأثیر بگذارد. فضاهای سبز نیز از نظر سیمای ظاهری و جنبه‌های روحی و روانی نیز نقش مهمی خواهند داشت (مؤیدی و دیگران، ۱۳۹۲).

رنگ: رنگ یکی از خاصیت‌های نور است. ادراک رنگ نتیجه‌ی نور تابیده شده تغییرات در آن، ویژگی‌های جذب کنندگی و ویژگی‌های چشم می‌باشد. صفحه‌ی بالای سر از لحاظ تأثیری که بر نور و رنگ آن دارد اهمیت پیدا می‌کند. صفحه‌ی کف و لبه‌های فضا نیز بر رنگ نور تأثیر می‌گذارد اما تأثیر صفحه‌ی بالاسر بیشتر است. هر یک از این عناصر فضایی، فرکانس متفاوتی از نور را جذب می‌کنند. به عبارت دیگر سطح آن‌ها رنگین است (اسفندیاری، ۱۳۹۳). بعضی از رنگ‌ها دلچسب نیستند. بعضی رنگ‌ها یا ترکیب آن رنگ‌ها با هم می‌توانند باعث تحریک چشم، سردرد و یا مشکلی در بینایی شوند. تعداد دیگری از رنگ‌ها یا ترکیبات آن‌ها آرامش‌بخش هستند. استفاده صحیح از رنگ‌ها می‌تواند کارایی را به حداکثر رسانده و خستگی چشم را به حداقل برساند. این کار می‌تواند باعث آرامش تمام بدن شود. رنگ‌ها تعبیر روانی مختلفی دارند و حتی می‌توان خصوصیات افراد یا جامعه را از روی رنگ‌هایی که استفاده می‌کنند و دوست دارند، شناسایی کرد. از این جهت رنگ ابزاری مهم در جهت هدایت و القای حالات روانی خاص به افراد و جوامع است. فضاهای تیره و ناهمگون، افراد را دچار افسردگی و فشارهای روانی ناخواسته می‌کند، در حالی که خود افراد نیز از دلایل واقعی آن با خیر نیستند. در شهرهای قدیم بناهای شاخص شهری به‌ویژه بناهای مذهبی باتزیینات کاشی فیروزه‌ای رنگ خود در زمینه خاکی شهر می‌درخشیدند و خود را متمایز می‌کردند. شهرهای

کویری با آسمان آبی، درختان سبز و بناهای خاکی و گنبدهای فیروزه‌ای رنگ، تصویری چشم نواز در ذهن و خاطره هر بیننده‌ای حک می‌کردند. تجربه حضور در چنین فضاهای شهری به دلیل وحدت آن، آرامش‌بخش و به دلیل تنوع رنگی بجا و حساب شده، سرزنده و متنوع بود. برعکس در شهرهای امروز استفاده از رنگ به معضلی بدون پاسخ تبدیل شده که سازندگان، معماران، طراحان و مردم عادی را به استفاده ناشیانه و کور از رنگ کشانده است. میدین شهری ما یک بوم رنگی بی‌هویت و مغشوش هستند که تنها موجب افسردگی، روان پریشی و عصبیت افراد جامعه می‌شوند. شهرهای امروز نیازمند نگرشی جامع نسبت به مسأله رنگ هستند تا در کنار سایر مسایل شهری، رنگ نیز طرحی برای ساماندهی بیابد. رنگ‌هایی که امروز در شهرهای ما به کار می‌روند، اکثراً سلیقه‌ای، موردی و بدون توجه به محیط اطراف به کار گرفته می‌شوند. در نتیجه در فضاهای شهری با نوعی اغتشاش رنگی مواجه‌ایم؛ رنگ‌هایی که نه مکمل یکدیگرند و نه از قانون رنگی خاصی استفاده می‌کنند. توجه به جنبه‌های عملکردی و فیزیکی رنگ بدون توجه به ابعاد و تأثیرات روانی آن باعث آزاردهنده بودن رنگ‌های به کار رفته در محیط می‌شود. مدیران از افراد غیرمتخصص در طراحی و تجهیز فضاهای شهری استفاده می‌کنند و سپس با وجود صرف هزینه و انرژی زیاد با تعجب به نتایج تأسف بار به وجود آمده می‌نگرند (صالحی، ۱۳۸۷).

با توجه به اهمیت تأثیرپذیری شهروندان از کاربرد رنگ در شهر، نقش آلودگی رنگ در پرخاشگری‌های اجتماعی و خشونت‌های شهری می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. در این خصوص می‌بایست به نتایج مطالعات روان‌شناسان در خصوص این که کدام رنگ آزاردهنده‌تر است توجه نمود. به عنوان مثال زرد لیمویی روشن به عنوان خسته‌کننده‌ترین رنگ معرفی می‌شود. چرا؟ علم فیزیک و نورشناسی به این سؤال پاسخ داد، و ثابت کرده که این رنگ همانند سایر رنگ‌های روشن درصد بیشتری از نور را منعکس می‌کند و در نتیجه باعث برانگیختگی زیاد چشم می‌شود. بچه‌ها در اتاق زرد بیشتر گریه می‌کنند، زن و مردها در خانه‌های زردبیشتر دعوا می‌کنند... بنابراین توصیه شده که در رنگ آمیزی دیوار محیط‌هایی که وظایف بحرانی در آن‌جا انجام می‌گیرد، از رنگ زرد استفاده نشود^۱. یا به عنوان مثال عنوان می‌شود که «...رنگ آبی تیره (سرمه‌ای) نشان دهنده آرامش کامل است. اندیشیدن درباره این رنگ، از یک تأثیر آرام‌بخش در سیستم اعصاب مرکزی برخوردار است. فشار خون، نبض و تنفس کاهش می‌یابد. در حالی که مکانیسم‌های خود محافظ برای تجدید نیروی موجود زنده فعالیت می‌نمایند. بدن انسان خود را با آرامش و تجدید قوا تطبیق می‌دهد، به طوری که در هنگام بیماری و خستگی نیاز به این رنگ بیشتر می‌شود. از نظر روان‌شناسی، گرایش به حساس بودن و سهولت دل‌آزرده شدن نیز افزایش می‌یابد...» و یا اینکه " فضای قرمز، فضایی هیجان‌آور است. رنگ قرمز (همچون خون) نمادی از هیجان در همه کشورهاست... میدان تایمز در شهر نیویورک می‌تواند قرمز رنگ باشد... خردسالان به فضای صورتی نیاز دارند، فضایی که به نظر هیجان‌انگیز می‌رسد اما در حقیقت بسیار امن است..." (صالحی، ۱۳۸۷).

تناسب بصری هم می‌تواند مانند کلام پیام داشته باشد همان طور که اصوات می‌توانند دل‌خراش و یا ناخوشایند باشند، تصاویر نیز همین حالت را برای دستگاه بینایی ما دارند. اما برای تصویر برخلاف زبان قواعد قراردادی وجود ندارد و تنها قواعدی که می‌توان برای آن قائل شد در نحوه کارکرد بینایی است که شناخت آن می‌تواند به طراحی خوشایندی بیانجامد (پاکزاد، بزرگ، ۱۳۹۳). رعایت تناسبات بصری و انسانی در مقیاس فضا باعث هماهنگی و ایجاد نظم شده و در نهایت باعث ایجاد حس آرامش در فضا می‌شود (مؤیدی و دیگران، ۱۳۹۲).

۴-۴. جمع‌بندی

آنگونه که بیان شد، منظر شهری در مقیاس‌های گوناگون خود، به‌عنوان نتیجه‌ای از تأثیر متقابل عوامل شکل‌دهنده شهر و جامعه شهری در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و طبیعی، به عنوان جلوه‌ای از شهر که همواره در برابر شهروندان قرار دارد در روحیات و رفتارهای آنان در محیط شهری و کیفیت زندگی آنان تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر جای می‌گذارد. بدین ترتیب برای طراحی فضای شهری از لحاظ بصری، باید با استفاده درست و بجا از عناصر طراحی بصری که شامل نقطه، خط، فرم، رنگ و بافت می‌شود، و اطلاعات بصری و سایر اطلاعات حسی، حس مکان مورد نظر را القا کرد. همچنین با توجه به تعاریف آسایش و آرامش و رابطه میان آن‌ها نیز می‌توان این نتیجه را گرفت که با دقت در طراحی منظر

شهری و جاگذاری مناسب میلمان شهری، می‌توان آسایش بصری را در مناظر شهری به‌وجود آورد که این مهم باعث ایجاد احساس آرامش در درون افراد شود.

در جدول ۱، در راستای پاسخ به سؤال شماره یک، نمونه‌ای از شاخص‌ها و معیارهایی که می‌توانند در سنجش احساس آرامش در فضاهای عمومی شهری تأثیرگذار باشند مورد اشاره قرار گرفته است:

جدول ۱: شاخص‌های سنجش احساس آرامش براساس منظر شهری (مؤیدی و علی نژاد و نوایی ۱۳۹۲، ۱۷۹-۱۸۰)

مؤلفه‌های اصلی	معیارها	تعریف
ادراک عمومی و لذت بصری	زیبایی‌شناسی (زیبایی)	چشم‌نوازی کالبد فضا یا ترکیب بندی، کیفیت رنگ و مصالح- رابطه پیوند بنا با محیط
	جذابیت	-
	احساس آشفتنگی	وجود اغتشاش و عناصر چشم آزار
	تنوع	تنوع فرم‌ها (تنوع عملکردها در حس مکان)
فرم و ریخت‌شناسی	نفوذ پذیری بصری	ارتباط بصری با نقاط مختلف
	آلودگی	وجود آلودگی‌های تأثیرگذار بر زندگی انسانی، آلودگی صدا، محیطی (زباله)، آلودگی بصری و...
	سرزندگی	-
	شکل و اندازه	وجود نظم هندسی- اندازه مناسب...
خاطره انگیزی	روابط و چیدمان	چیدمان میلمان شهری، ارتباط میلمان شهری با نیازهای انسان...
	ابعاد و مقیاس (انسانی)	رعایت و توجه به مقیاس انسانی
	بافت و تزئینات	-
	وسعت	وسعت فضا
حسن مکان	تناسب	توجه به تناسب فضایی- تناسب منظر با اندازه فضا
	استفاده از عناصر طبیعی	استفاده از فضای سبز، درختان و عناصر طبیعی موجود در محیط
	رنگ	وجود رنگ‌های آرامش بخش در فضا
	حسن تعلق	رضایت فرد از منظر و حسن تعلق در محیط
معرّفی محلّه	مانوس بودن	-
	تجربه در محیط	خاطرات موجود از منظر محیط در ذهن افراد- تجربه محیط و اثر منظر
	احترام به نیازهای انسانی	توجه به موضوعاتی چون آرامش، ایمنی و زیبایی
	عدم تمایل به جایگزینی	-
حسن مکان	میزان علاقه	-
	انعطاف پذیری	توانایی و قدرت فضا در پذیرفتن عملکردها و انجام فعالیت‌های گوناگون
	سازگاری بصری	متناسب بودن خصوصیات بصری منظر با عملکرد و معنی محیط

۵. بحث و تحلیل یافته‌ها

با توجه به آنچه بیان شد در این قسمت در راستای پاسخ به دومین سؤال مطرح شده در ابتدای مقاله، به مقایسه محلّه مورد پژوهش نسبت به شاخص‌های سنجش احساس آرامش در منظر شهری و در نهایت به ارائه راهکارها برای ارتقاء ادراک کالبدی و عمومی محیط برای ایجاد حس آرامش با توجه به ویژگی‌های بصری در محلّه پرداخته می‌شود.

۵-۱. معرفی محلّه

محلّه کوی معلم در طول ۳۰ سال اخیر در بافت مرکزی شهر بجنورد توسعه یافته و شکل گرفته است که در دسته بندی بافت‌های شهر در دسته بافت جدید قرار می‌گیرد، این محلّه در پهنه سکونتی قرار گرفته و براساس الگوهای طراحی شده شطرنجی به وجود آمده است، اندازه قطعات یکسان و به شکل متعارف معاصر- مستطیلی- است و عمدتاً توسط سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی تفکیک شده‌اند. این منطقه از نظر برخورداری از خدمات درمانی در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارد. تصویر ۱، موقعیت محلّه کوی معلم در شهر بجنورد را نشان می‌دهد.



تصویر ۱: موقعیت محله کوی معلم در شهر بجنورد (نگارندگان)

۲-۵. ویژگی‌های بصری محله

ساختمان‌های این محله عمدتاً یک طبقه و دو طبقه هستند و مصالح و تکنولوژی مورد استفاده در این منطقه با توجه به تکنولوژی‌ها و مصالح معاصر ساخته شده است، ولی اکثراً نماها به صورت آجری باقی مانده است و یا ساختمان‌ها به صورت نیمه تمام می‌باشد و از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. گره‌ها در این محله و البته در سطح شهر عمدتاً فاقد کالبد و بدنه‌های شاخص می‌باشند و لزوم بهسازی و بازسازی در آن‌ها احساس می‌شود. در شهر بجنورد به دلیل ارتفاع کم ابنیه و مستحذات موجود، هیچ یک از نشانه‌های شهری دارای ابعاد خاصی نیستند و بسیاری از نشانه‌ها، هویتی و ذهنی می‌باشند. در محله کوی معلم بیمارستان ارتش یکی از این نشانه‌های عینی و ذهنی می‌باشد. البته لبه‌های موجود در معابر از لحاظ سیمای شهری و خوانایی، از ریتم، آهنگ و نظم خاصی برخوردار می‌باشد؛ در وضعیت موجود عدم تفاوت ارتفاعی چشمگیر در طول بدنه‌ها، به تقویت خوانایی می‌افزایند. نکته قابل ذکر آن که براساس روندها و گرایشات موجود بهسازی و نوسازی ساختار ارتفاعی نیز در آینده دچار تحولات ساختاری خواهد شد.

۳-۵. مقایسه ویژگی‌های بصری محله با مؤلفه‌های آسایش بصری

با توجه به مشاهده و مطالعات میدانی انجام گرفته در محله کوی معلم، مؤلفه‌های موجود در محله نسبت به مؤلفه‌های مورد نیاز برای آسایش بصری که در جدول شماره یک بیان شد، به صورت زیر می‌باشد:

جدول ۲: مؤلفه‌های آسایش بصری براساس منظر شهری در محله کوی معلم (نگارندگان)

مؤلفه‌های موجود در محله	معیارهای موجود	تعریف (نسبت به موجودیت در محیط محله)
ادراک عمومی و لذت بصری	زیبایی‌شناسی (زیبایی) / نفوذ پذیری بصری	کیفیت رنگ و مصالح / ارتباط بصری با نقاط مختلف
فرم و ریخت‌شناسی	شکل و اندازه / وسعت	وجود نظم هندسی - اندازه مناسب... / وسعت فضا
حسن مکان	احترام به نیازهای انسانی / انعطاف پذیری	موضوع مورد نظر موجود صرفاً فقط آرامش / توانایی و قدرت فضا در پذیرفتن عملکردها و انجام فعالیت‌های گوناگون

با بررسی جدول بالا در می‌یابیم که محله کوی معلم از لحاظ ویژگی‌های مطلوب بصری دارای حداقل مؤلفه‌ها می‌باشد و نیاز به بازسازی از لحاظ بصری در آن به وفور دیده می‌شود. به همین دلیل با استفاده از روش SPSS، پرسشنامه توزیع شده در بین جامعه آماری ۱۰۰ نفر زن و مرد در سنین مختلف با سطح تحصیلات متفاوت، تحلیل و در نهایت در قالب جدولی (جدول شماره ۳)، به ارائه راهکارها از لحاظ ارتقاء ادراک کالبدی و عمومی محیط با زیرمعیارهایی که با توجه به معیار و محیط در نظر گرفته

شده‌اند و مورد سؤال در پرسشنامه قرار گرفته‌اند، برای ایجاد شرایط مطلوبتر برای ایجاد آسایش بصری در محله و نزدیک کردن آن به یک فضای شهری مناسب می‌پردازیم.

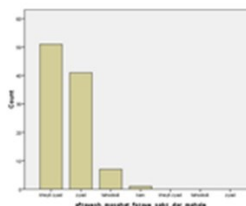
۴-۵. تحلیل پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS

برای استفاده از نرم‌افزار SPSS ابتدا داده‌ها را وارد نرم‌افزار کرده، به آن‌ها کد می‌دهیم و سپس هر سؤال را به طور جداگانه مورد تحلیل قرار می‌دهیم و وارد نمودار می‌کنیم؛ در زیر چند مورد از سؤالات پرسشنامه که مورد تحلیل قرار گرفته‌اند به عنوان نمونه آورده شده‌اند:

۱- افزایش مساحت فضای سبز در محله، سبب ایجاد آرامش در افراد می‌شود.

afzavesh_masahat_fazave_sabz_dar_mahale

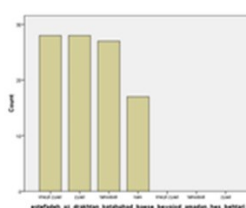
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid <u>kheyli ziyad</u>	51	51.0	51.0	51.0
<u>zyad</u>	41	41.0	41.0	92.0
<u>tahododi</u>	7	7.0	7.0	99.0
<u>kam</u>	1	1.0	1.0	100.0
Total	100	100.0	100.0	



۲- استفاده از درختان کوتاه قد باعث به وجود آمدن حس بهتری می‌گردد.

estefadeh_az_drakhtan_kotahghad_baese_bevojud_amadan_hes_behtari

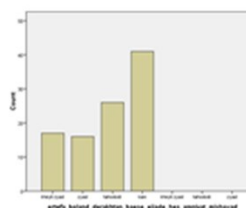
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid <u>kheyli ziyad</u>	28	28.0	28.0	28.0
<u>zyad</u>	28	28.0	28.0	56.0
<u>tahododi</u>	27	27.0	27.0	83.0
<u>kam</u>	17	17.0	17.0	100.0
Total	100	100.0	100.0	



۳- ارتفاع بلند درختان موجب ایجاد حس آرامش در محدوده می‌گردد.

ertefa_boland_derakhtan_baese_ejjade_hes_aramesh_mishavad

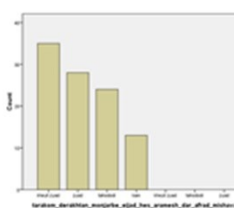
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid <u>kheyli ziyad</u>	17	17.0	17.0	17.0
<u>zyad</u>	16	16.0	16.0	33.0
<u>tahododi</u>	26	26.0	26.0	59.0
<u>kam</u>	41	41.0	41.0	100.0
Total	100	100.0	100.0	



۴- تراکم درختان منجر به ایجاد حس آرامش در افراد می‌شود.

tarakom_derakhtan_monjarbe_ejjad_hes_aramesh_dar_afraad_mishavad

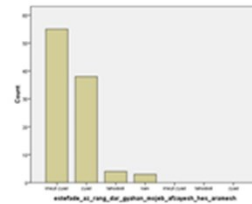
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid <u>kheyli ziyad</u>	35	35.0	35.0	35.0
<u>zyad</u>	28	28.0	28.0	63.0
<u>tahododi</u>	24	24.0	24.0	87.0
<u>kam</u>	13	13.0	13.0	100.0
Total	100	100.0	100.0	



۵- استفاده از رنگ در گیاهان موجب افزایش حس آرامش در افراد می‌گردد.

estefade_az_rang_dar_gvahan_mojeb_afzayesh_hes_aramesh

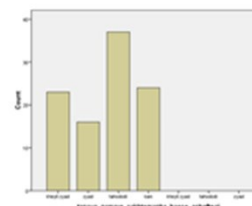
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid <u>kheyli ziyad</u>	55	55.0	55.0	55.0
<u>zyad</u>	38	38.0	38.0	93.0
<u>tahododi</u>	4	4.0	4.0	97.0
<u>kam</u>	3	3.0	3.0	100.0
Total	100	100.0	100.0	



۶- تنوع نمای ساختمان‌ها باعث آشفته‌گی بصری در محدوده می‌شود.

tanavo_namave_sakhtemanha_baese_ashoftegi

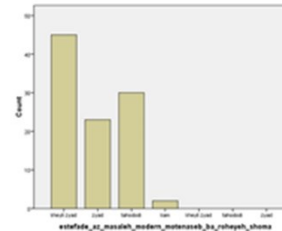
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid <u>kheyli ziyad</u>	23	23.0	23.0	23.0
<u>zyad</u>	16	16.0	16.0	39.0
<u>tahododi</u>	37	37.0	37.0	76.0
<u>kam</u>	24	24.0	24.0	100.0
Total	100	100.0	100.0	



۷- استفاده از مصالح مدرن متناسب با روحیه شما می‌باشد.

estefade_az_masaleh_modern_motenaseb_ba_roheyeh_shoma

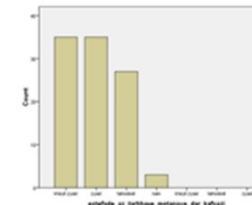
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid <u>kheyli ziyad</u>	45	45.0	45.0	45.0
<u>zyad</u>	23	23.0	23.0	68.0
<u>tahododi</u>	30	30.0	30.0	98.0
<u>kam</u>	2	2.0	2.0	100.0
Total	100	100.0	100.0	



۸- استفاده از طرح‌های متنوع در کف‌سازی سبب ایجاد حس نشاط در افراد می‌شود.

estefade_az_tarhaye_motanave_dar_kafsazi

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid <u>kheyli ziyad</u>	35	35.0	35.0	35.0
<u>zyad</u>	35	35.0	35.0	70.0
<u>tahododi</u>	27	27.0	27.0	97.0
<u>kam</u>	3	3.0	3.0	100.0
Total	100	100.0	100.0	



جدول ۳: راهکارهای ارتقاء ادراک کالبدی و عمومی محیط برای ایجاد حس آرامش با توجه به ویژگی‌های بصری در محله کوی معلم (نگارندگان)

معیار	زیرمعیارها	راهکار
ادراک کالبدی و عمومی	زیبایی	- توجه به هماهنگی و تناسب فضاها و کاربری‌ها با محیط. - استفاده از رنگ و روشنایی مناسب و مطلوب در محیط. - برنامه ریزی جهت ایجاد پیوند میان محیط مصنوع با محیط طبیعی (استفاده از گیاهان و...).- رابطه پیوند بنا با محیط و چشم نوازی کالبد فضا یا ترکیب بندی.
	جذابیت	- استفاده از فضای سبز مناسب و ایجاد پیوند میان عناصر طبیعی و عناصر مصنوع اهمیت دارد. - استفاده از مبلمان شهری مناسب، مطلوبیت محیطی را افزایش می‌دهد.
	احساس آشنفتگی	- نماها از نظر بصری مناسب سازی شوند. - توجه به کف سازی مطلوب احساس آشنفتگی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. - وجود فضای سبز احساس آشنفتگی را کاهش می‌دهد. - آرایش درختان، گیاهان و فضای سبز شهری در کاهش آشنفتگی محیط نقش دارد.
	تنوع	- ایجاد تنوع در عین هماهنگی در فرم‌ها. - به وجود آوردن حس مکان و ایجاد تنوع در آن.
	نفوذ پذیری بصری	- وجود نداشتن نقطه کور به ویژه در کوچه‌ها. - امکان ارتباط بصری با نقاط مختلف در کوچه‌ها
	سرزندگی	- استفاده از اصول طراحی در اجرای فضای سبز، محیط را دل‌انگیزتر نموده و سرزندگی را افزایش می‌دهد. - استفاده از عناصر طبیعی و درختان و گیاهان سرزندگی و شادابی محیط را تقویت می‌کند.
	مبلمان، روابط و چیدمان	- اضافه کردن مبلمان شهری در کوچه‌ها و مسیر رفت و آمد. - ایجاد ارتباط میان مبلمان با نیازهای افراد. - ترکیب مبلمان با عناصر طبیعی.
	ابعاد و مقیاس (انسانی)	- توجه به عرض پیاده‌روها. - در نظر گرفتن یک گذر در محله فقط به عنوان پیاده راه.
	تناسب	- افزایش فضای سبز نسبت به مساحت محله. - در نظر گرفتن فضای باز برای آپارتمان‌ها نسبت به مساحت هر واحد.
	استفاده از عناصر طبیعی	- استفاده از درختان و گل‌ها و گیاهان در سطح محله. - ترکیب عناصر مصنوع با عناصر طبیعی
رنگ	- استفاده از تنوع رنگی در فضا. - استفاده از رنگ‌های آرامش بخش در فضا	
خاطره انگیزی	- به وجود آوردن شرایطی که باعث حس تعلق در افراد شود. - ایجاد شرایطی که باعث رضایت فرد از محیط شود.	
تجربه در محیط	- به وجود آوردن شرایطی که خاطرات موجود از منظر و محیط را در ذهن افراد زنده کند. - شرایطی که منظر در آن بسیار اثرگذار باشد و حضور افراد باعث کسب تجربه از آن محیط شود. - توجه بیشتر به نیازهای انسانی از طریق ایجاد و افزایش ایمنی و آسایش و نیز زیبایی در محله.	
حس مکان	- به وجود آوردن شرایطی که موجب رضایت و علاقه افراد باشد و در آینده نیز عدم تمایل به جایگزینی در آن دیده شود. - ساخت فضا و مکان‌هایی که انعطاف‌پذیری در انجام فعالیت‌های گوناگون و توانایی و قدرت در پذیرفتن عملکردها را داشته باشد. - سازگاری بصری به طوری که خصوصیات بصری منظر با عملکرد و معنی محیط متناسب باشد.	

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد و با بررسی مقایسه صورت گرفته و راهکارهای ارائه شده، نتایج در زیر به صورت موردی بیان می‌شود:

- ۱- افزایش مساحت فضای سبز در سطح محله؛
- ۲- استفاده از درختان کوتاه و بلند در کنار هم به صورت متراکم؛
- ۳- استفاده از گیاهان با تنوع رنگی؛
- ۴- به کارگیری مصالح متناسب با روحیه ساکنین محله و متنوع در نماها و کفسازی؛
- ۵- هماهنگی در نمای ساختمان‌ها از لحاظ بصری؛
- ۶- تضاد و هارمونی در جنس و فرم، رنگ، نظم، ترتیب و چیدمان موارد گیاهی و پوشش های سبز و استفاده از مقیاس مناسب در طراحی؛
- ۷- سعی در تطابق با محیط به جای تغییر یکباره آن؛
- ۸- ایجاد شرایط مطلوب در محله جهت امنیت بیشتر، مانند: استفاده از نورهای مناسب و طراحی کوچه ها به نحوی که نقاط کور در آن‌ها وجود نداشته باشد و دید بصری لازم را فراهم آورد؛
- ۹- طراحی لکه‌های سبز به گونه‌ای باشد که در تمام فصول جذابیت داشته باشد؛
- ۱۰- ایجاد جاذبه‌های بصری در محله برای همه رده‌های سنی؛
- ۱۱- کاهش فضای اختصاصی برای سواره و افزایش سطح پیاده راه‌ها؛
- ۱۲- استفاده از عناصر موجود یا به وجود آوردن عناصری که موجب برانگیختن حسّ خاطره‌انگیزی در افراد و هویت محله گردد؛

۱۳- ساماندهی و طراحی اصولی فضاها در جهت ایجاد حسّ مکان در محیط و منظر.

در پایان باید به این نکته اشاره شود که به دلیل اینکه قسمت عمده‌ی درک ما از محیط اطرافمان درک بصری است، طراحی باید در استفاده از محرک‌های بصری برای ایجاد ارتباط با استفاده کننده فضا خیره باشد و در ضمن باید بتواند توسط محرک‌های مناسب حسّی دیگر، ارتباط بصری را تقویت و تشدید کند. در غیر این صورت ادراک حاصل شده، ادراک ضعیفی خواهد بود. اگر محرک‌های حسّی با یکدیگر مخالف باشند، ادراک مغشوش و آشفته خواهد بود. در واقع، طراحی فضای شهری، هنری محیطی است. آسایش بصری و زیبایی در گرو قرارگیری بجا و مناسب اجزاء تشکیل دهنده در یک ساختار فضایی بزرگتر می‌باشد؛ ساختاری که سبک و سیاق طراحی را معین می‌نماید. هر چه بینش وسیع تر و فرهنگی تری مدنظر باشد، راه حل‌های مطلوب تر و غنی تری حاصل می‌گردد. بنابراین، آن بخش از فضاهای شهری که واجد تناسبات بصری مطلوبی هستند و به عبارت دیگر در آن اغتشاش بصری کمتری وجود دارد، نسبت به سایر فضاها احتمالاً بیشتر منجر به به وجود آمدن احساس آرامش در آن فضاها که منظرهای شهری را تشکیل می‌دهند، می‌گردد.

پی نوشت‌ها

۱. گیرنده‌های بینایی یا شنوایی که قادرند اطلاعاتی که از آن‌ها فاصله دارند را به مغز مخابره کنند. این گیرنده‌ها، گیرنده‌های با فاصله نیز نامیده می‌شوند.

2. Homogeneous
3. Aggressive
4. Comfortable
5. Fillin, 1998
6. www.color.Matters data.com
7. www.color.Matters data.com

منابع

- اسفندیاری، مریم (۱۳۹۳). روانشناسی محیط و معماری منظر. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره مجوز ۸۹۷۱. نشانی دسترسی:

<http://www.civilica.com/modules.php>

- پاکزاد، جهانشاه؛ بزرگ، حمیده (۱۳۹۳). *القبای روانشناسی محیط برای طراحان*، (چاپ دوم)، تهران: نشر آرمان شهر.
- حسینی، سید مهدی (۱۳۹۳). *کارگاه هنر ۲*. (رائیکا خورشیدیان، ویراستار). تهران: انتشارات آموزش و پرورش.

- دویران، اسماعیل؛ خدایی، داوود؛ غلامی، سعید؛ دانش دوست، مهرداد (۱۳۹۱). سنجش مؤلفه‌های آسایش بصری در منظر شهری (با تأکید بر محله حسینیه اعظم زنجان)، *مجله جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۱(۳)، ۴۵-۶۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه/ علی اکبر دهخدا*، (چاپ دوم)، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷). *مؤلفه‌های آسایش بصری و نقش آن در مناسب سازی محیط، همایش ملی مناسب سازی محیط شهری*، ۳۰ مهر ۱۳۸۷، ۱-۱۲، تهران: همایش ملی مناسب سازی محیط شهری.
- کالن، گوردون (۱۳۸۷)، *گزیده منظر شهری*، (منوچهر طیبیان مترجم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران (نشر اثر اصلی ۱۹۹۸).
- مؤیدی، محمد؛ علی نژاد، منوچهر؛ نوایی، حسین (۱۳۹۲). بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری (نمونه مورد مطالعه، محله اوین تهران)، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ۳۵(۳)، ۱۵۹-۱۹۱.
- نگارندگان، ۱۳۹۵. *مطالعات میدانی*.
- ویلسون، پل (۱۳۸۹). *آرامش فوری* (توراندخت مالکی تمدن مترجم)، تهران: پیکان (نشر اثر اصلی ۲۰۰۰).

Effect of the Urban Landscape in the Safety of Citizens (Case Study: Kooye Moalem Neighborhood Bojnord) *

Soheila Sadeghi** - Master of Architecture, University of Khazar, Mahmudabad, Iran.

Ahma Reza Keshtkar Ghalati -PhD and lecturer of landscape architecture, Mahmudabad, Iran.

Abstract

The issue: In today's societies, comfort and serenity are considered one of the most important factors for residents in cities. A quantitative approach is insufficient for the study of comfort in outdoor zone. It is necessary to stress the importance of qualitative comfort criteria, such as relation with the context, perception of potential control, microclimatic environments diversity, and naturality of the place. It is because lack of comfort results in raising countless mental and social issues. In the recent years, low quality environments have caused a low level of people attendance in that places and subsequently, lots of different problems in human life. One of the determining factors affecting the quality of the environment is providing human comfort. Human comfort features are important. More importantly, focus on thermal and wind comfort among various parameters is another criterion that should be highly discussed. By the presence of comfort we can return people to urban open spaces. Today similar architectural patterns in different climate regions, can't provide residents comfort. While vernacular housing architecture of different countries had different patterns for providing climate comfort in different regions. In terms of satisfying the probable needs, there are so many different new ideas to reach a greater comfort. One of these needs which are surveyed in this research is creating visual comfort through visual features; because eyesight is the most important and effective factor among all senses can help producing safer, and more favorable environment provided that visual features are used in a city scenery right and appropriately. Because the face of our cities is devoid of quality and comfort and use of space is not induced, lack of attention planners and city managers who have not prepared a comprehensive plan to issue visual comfort; it also extends the unsystematic many cities and increasing population, began to pay less attention to this matter and making visual confusion and disorder cities been. In the case of visual comfort and urban scenery, extensive research has been done. As an instance, studies of Gordon Kalon, Simon Bell, Esmail Salehi, Hoda Alavi Tabari, Mohammad Atashinbar, and Masood Motavali can be addressed. And also other different research which has been done in the form of environment quality and city scenery by different scientists in which points out this subject in cities is of importance. The goal of this research is presenting suitable solutions in order to help to create the concept of comfort through visual serenity in an urban environment.

Methodology: The method in this article, is analytical and field studies, and ways and means of research, is documentation and library that foundations are required to collect

* This article is extracted from the Master thesis of the Soheila Sadeghi with Title " Designing and Rehabilitating Residential Based on Principles of Healing Landscape Design (Case study: Residential Design in Bojnord)" That the guidance (the doctor AR Keshtkar Qalati) at the Khazar university of Mahmudabad is provided as of Fall 1395.

** Corresponding Author: Email: Sosa6613@yahoo.com , Number: 09157167704 Address: North Khorasan, Bojnord, South 17 Shahrivar street, Yaqyn Alley, No: 108. Postal code: 9413635971

and review then, according to them, case study compared and using a questionnaire and Specs software analyzed, and solutions in tabular format to create a sense of calm with respect to visual characteristics in the samples provided.

Results: According to compare the approaches taken, the results of case stated to achieve a sense of peace through visual properties in the neighborhood Kooye Moalem.

Keywords: Visual serenity, Eyesight, Visual balance, City scenery, Peace.